

راهکارهای کاهش خلوت منفی در فضای محلات پرتراکم به منظور رعایت حریم و خلوت اجتماعی با رویکرد افزایش امنیت شهروندان (مطالعه موردی: محله‌های شمس آباد و کاظم آباد تهران)

سمانه جعفر محمدی^۱

دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

مجتبی انصاری

دانشیار معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

بهمن کارگر

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره)، شهرری، ایران

حمید بحیرایی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۶/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۴/۱۶

چکیده

محله برای ساکنین آن، فرصتی برای بوجود آوردن برخوردهای غیر رسمی و انسجام اجتماعی است. شناسایی و تمیز مکان‌ها و سازمان دهی آنها در ساختار ذهنی، نه تنها به افراد اجازه عملکرد مؤثر را می‌دهد، بلکه منبع احساس امنیت، دلپذیری، خوشایندی و درک نیز هست. افراد، خواهان وضوح کالبدی و مکان‌هایی قابل درک و مرتبط با احساسات و اهداف خود هستند. مقاله حاضر سعی دارد تا به اهمیت خلق فضاهای عمومی علی‌الخصوص در محله‌های پرتراکم بالا و تأثیر آن بر بالا رفتن امنیت ساکنین که موجب حفظ حریم و خلوت انسان در زیستگاهش می‌شود، پردازد. مسیر پژوهش مقاله این است که نخست به بررسی نظری مفهوم خلوت و کارکردهای آن پرداخته می‌شود. سپس خصوصیات و ماهیت فضای عمومی (حیات جمعی) محله و در نهایت به تأثیر خلق فضاهای عمومی در جهت ایجاد حریم و خلوت خانواده‌ها پرداخته خواهد شد. روش پژوهش، استدلال منطقی، همچنین مورد پژوهی بر روی دو محله مسکونی پرتراکم تهران، شمس آباد و کاظم آباد به همراه مطالعات میدانی و انجام پرسشنامه از افراد محله است. دستاورد این مقاله آن است که در قرن حاضر (دهه نهم قرن ۱۴) جمعیت قابل توجهی در محله‌های پرتراکم بسر می‌برند. اگر همانند تاجرین برده به انسان‌ها نگاه گردد؛ و تصور نیازهای فضایی آن‌ها صرفاً در محدوده بدن آن‌ها در نظر گرفته شود، در این صورت توجهی به اثرات ازدحام نمی‌شود، اما اگر آن‌ها را موجوداتی بدانیم که توسط یک سری حباب‌های نامرئی که دارای ابعاد قابل اندازه‌گیری هستند، احاطه شده‌اند؛ می‌توان به معماری این محلات با دیدی جدید نگریست.

واژگان کلیدی: حریم اجتماعی، فضای جمعی، محله‌های پرتراکم، امنیت اجتماعی

۱. مقدمه

یکی از پارامترهای اصلی شهر سازی و خلق مکان برای زندگی جمعی، مبحث امنیت شهری است که این پارامتر در نهایت تبدیل به نشاط شهری و اجتماعی می‌شود. برای به دست آوردن این سر زندگی و نشاط، نیازمند به وجود آوردن فضاهایی جهت استفاده عمومی و تفریحی هستیم تا بتوانیم جمعیت را جذب کنیم. این جذب جمعیت خود یکی از مهم‌ترین عوامل در رسیدن به امنیت شهری است، زیرا اگر شما بهترین شهر و فضا را بسازید ولی با کمبود جمعیت و خلوتی مواجه باشید، به هیچ وجه نمی‌توانید به شهری با نشاط و سرزنده دست پیدا کنید. این حضور و نشاط فقط در سایه امنیت و حس آرامش است که ممکن و اجرایی می‌شود.

در دهه نهم قرن چهاردهم هجری شمسی، ابعاد انسانی فضاهای عمومی بیش از هر زمان دیگر مورد توجه برنامه ریزان و طراحان شهری قرار گرفته و مردم نیز مشتاقانه به حضور و مشارکت در چنین فضاهایی پاسخ مثبت داده اند. اما آنچه این فضاها را به لحاظ اجتماعی فعال می‌سازد، در درجه اول عوامل کالبدیست که بتواند زمینه ساز ورود و سپس توقف افراد درون فضا باشد که در این باره می‌توان به عواملی چون: دسترسی‌ها، جاذبه‌های بصری، عوامل طبیعی و بسیاری عوامل دیگر از این دست اشاره نمود. اما آنچه بیش از ابعاد کالبدی در حضور و تعامل اجتماعی افراد مؤثر است، پیش بینی و خلق رویدادهای اجتماعی است که در عین ایجاد فرصت‌های مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، می‌تواند زمینه ساز ارتقاء حس تعلق به مکان نیز باشد. بنابراین خلق یک فضای عمومی موفق، بهره‌گیری از توان‌های اجتماعی آن و ارتقاء فرصت‌های مشارکت در حیات جمعی، مستلزم شناخت فضا و ابعاد مختلف آن و نگاهی چند جانبه از سوی طراحان و برنامه ریزان شهری در این رابطه است (دانشپور ۱۳۸۰: ۲۰).

۱. خلوت

مفهوم خلوت در مقایسه با مفاهیم ازدحام، فضای شخصی و قلمرو چندان مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است. در این بخش تلاش می‌شود مفهوم خلوت به جایگاه مرکزی خود در حوزه محیط و رفتار، رسانده شود. مفهوم خلوت عبارت است از:

- ۱- خلوت فرایند تنظیم مرز میان افراد است و چگونگی تعامل فرد را با دیگران مشخص می‌کند.
- ۲- دو جنبه مهم این مقوله خلوت مطلوب و خلوت کسب شده است. خلوت مطلوب میزان آرمانی تعامل با دیگران است و خلوت کسب شده میزان واقعی تعامل با دیگران.
- ۳- خلوت فرایندی دیالکتیکی است که هم با محدودیت تعامل سرو کار دارد و هم در جستجوی تعامل است.
- ۴- خلوت در هر لحظه از زمان حالت بهینه ای دارد. به عبارت دیگر، درجه ای بهینه از دسترس بودن مطلوب فرد برای تعامل او با دیگران وجود دارد. انحراف از آن به تعامل بیشتر یا کمتر از حد فرد با دیگران می‌انجامد و حالتی نامطلوب ایجاد می‌کند.
- ۵- خلوت فرایندی درون داد و برون داد است. فرد (یا گروه) خلوت خود را با توجه به رابطه ای که می‌خواهد با دیگران برقرار کند و رابطه ای که دیگران می‌خواهند با او برقرار کنند تنظیم می‌کند.

۶- مقوله خلوت در مورد انواع گوناگون واحدهای اجتماعی مثل فرد، خانواده، گروه‌های هم جنس و غیر هم جنس و غیره کاربرد دارد. گاه مسئله خلوت یک فرد در برابر فرد دیگر در میان است و گاه مسئله خلوت یک گروه در برابر گروه یا افراد دیگر. بنابراین، مقوله خلوت در ارتباط‌های اجتماعی وسیع و گسترده‌ای - فرد با فرد، فرد با گروه، گروه‌ها و افراد - صدق می‌کند.

۷- خلوت را می‌توان نظارت انتخابی بر رابطه فرد یا گروه با دیگران تعریف کرد (آلمن ۱۳۸۲: ۱۳).

۲. خلوت و تعامل اجتماعی

مطالعه رابطه انسان و محیط، نشان می‌دهد که احساس خلوت بیشتر با کنترل انسان بر محیط زندگی خصوصی و احساس اختیار در برخوردهای متقابل اجتماعی بدست می‌آید. ایجاد تعادل میان خلوت و تعامل اجتماعی هم بوسیله مفاهیم کالبدی و هم مفاهیم فرهنگی - اجتماعی که زمینه‌های روانی لازم را ایجاد می‌نمایند میسر است. این تعادل در تعریف خلوت، «کنترل قابل انتخاب بر خویشتن و گروه خودی» بیان شده است. نیاز به خلوت در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است و بین افراد در یک فرهنگ خاص نیز بسته به حالات روحی و وضعیت اجتماعی تفاوت‌هایی وجود دارد. به بیان دیگر شرایطی که برای یک فرد معنای خلوت دارد ممکن است برای فرد دیگری عین تنهایی و انزوا باشد؛ و شرایطی که برای یک فرد در زمان مشخصی "شلوغی" محسوب می‌شود ممکن است برای فرد دیگری یا همان فرد، در موقعیت دیگری لذت بخش باشد. فراهم آوردن مفهوم خلوت به عنوان داشتن کنترل و اختیار، بجای انزوا، در طراحی مسکن نیاز به راه‌حل‌های قابل انعطاف دارد که در شرایط عادی مشکل بدست می‌آید (عینی فر ۱۳۸۳: ۱۱۲).

۳. انسان، فضای عمومی و حیات جمعی

تأمین نیاز انسان به دوست داشتن و در کنار جمع بودن مستلزم وجود یک قرارگاه کالبدی است و فضاهای عمومی بیشترین ظرفیت را در این رابطه دارند ولیکن این امر بدون پاسخگویی به نیازهای اولیه انسان میسر نیست. فضایی می‌تواند انسان را به خود جلب نماید که در درجه اول تأمین‌کننده نیازهای ذیل باشد:

- آسایش فیزیولوژیکی و ذهنی: از آنجا که برآوردن این کیفیت در رابطه با نیازهای اولیه انسان می‌باشد، نحوه پاسخ‌گویی به آن در چگونگی ادراک سایر کیفیات فضا نیز مؤثر است و برآوردن این نیازها با میزان و تداوم حضور مردم در فضا قابل ارزیابی است.

- استراحت: جو آرام، وجود عوامل طبیعی، حریم فضا و کنترل ورود وسایل نقلیه از جمله مهم‌ترین عوامل در تأمین این نیاز می‌باشند.

- مطلوبیت اجتماعی ناشی از تعامل افراد: که مبتنی بر بعد اجتماع‌پذیری فضا یعنی حضور افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی و میزان تعاملات اجتماعی بین آن‌هاست (دانشپور ۱۳۸۰: ۲۱).

۳-۱- ویژگی‌های فضای عمومی اجتماع پذیر

بطور کلی خلق یک فضای عمومی موفق که بتواند پذیرای افراد و گروه‌های مختلف باشد مستلزم تأمین عوامل زیر است:

- ۱- تأمین قلمرو، امنیت، ساختار منسجم، تداوم و خوانائی و قابل پیش بینی بودن فضا
- ۲- وجود تسهیلات مناسب در فضا، پاسخگویی، راحتی و آسایش محیطی
- ۳- میزان اطلاعات، شور و هیجان محیطی: که مستلزم وجود ابعادی چون پیچیدگی و رمزآلودگی، آموزش، امکان بیان خود، گوناگونی و تضاد، انتخاب، هویت یابی، خلوت جوئی و دلبستگی در فضا است.
- ۴- تعاملات اجتماعی (دانشپور ۲۳: ۱۳۸۰).

۴. فضاهای عمومی محله

فضاهای عمومی فضاهایی هستند که افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی در آن سهیم اند، این فضاها محل تبادل افکار و اطلاعات و مکانی برای شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی هستند. چنین فضاهایی بیش از آن که یک فضا باشند، یک تجربه اند که نتیجه چنین تعامل و تجاربی در میان افراد و گروه‌های مختلف، دریافت حس هویت جمعی، احترام به خود (عزت نفس)، ارتقاء مهارت‌های جمعی و مشارکت اجتماعی خواهد بود. چنین تعبیر و تفسیری از فضاهای عمومی در رابطه با حباب اجتماعی انسان‌ها از ارسطو تا کنون همواره مورد توجه شهرسازان و نظریه پردازان شهری بوده و هست (دانشپور ۱۳۸۰: ۲۰).

ارزش‌های فردی و جمعی بر چگونگی حس مکان تأثیر می‌گذارد و حس مکان نیز بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و به ویژه رفتار فردی و اجتماعی افراد در مکان تأثیر می‌گذارد و افراد معمولاً در فعالیت‌های اجتماعی با توجه به چگونگی حس مکانشان شرکت می‌کنند. حس مکان، نه فقط باعث هماهنگی و کارکرد مناسب فضای معماری و انسان است بلکه عاملی برای احساس امنیت، لذت و ادراک عاطفی افراد نیز می‌باشد و به هویت مندی افراد و احساس تعلق آن‌ها به مکان کمک می‌کند. حس مکان در اثر آشنایی افراد با مکان و محله زندگی‌شان است. این آشنایی می‌تواند: آشنایی بسیار عمیق و یا معمولی با مکان باشد.

آشنایی بسیار عمیق با مکان: این سطح، زمانی به وجود می‌آید که شخص، خود در مکان حضور دارد و به صورت ناخودآگاه آن را تجربه می‌کند. در این حالت، شخص با مکان یکی می‌شود.

آشنایی معمولی با مکان: این سطح، تجربه ناخودآگاه مکان است و بیشتر از آن که فردی باشد جمعی و فرهنگی است و شامل مشارکت عمیق و بدون اندیشه در نمادهای یک مکان است.

۵. بررسی Negative Privacy در فضاهای جمعی محلات شمس آباد و کاظم آباد

از عوامل ایجاد ناامنی و عدم داشتن خلوت اجتماعی در فضاهای جمعی در محلات می‌توان به عوامل زیر که در جدول شماره ۱ جمع‌آوری شده است اشاره کرد:

جدول شماره ۱: دسته بندی عوامل مؤثر در کاهش احساس امنیت در محلات

ردیف	گروه اصلی	زیربخش
۱	عوامل محیطی	کمبود دید (در اثر کمبود نور، عوارض طبیعی و...) مجاورت با عرصه‌های طبیعی و مصنوعی کنترل شده وجود شرایط طبیعی کاهش دهنده فعالیت‌های فضایی
۲	عوامل کالبدی	وجود عوامل مانع دید عدم وجود عرصه‌های فعالیتی امن گسستگی مقیاس‌های فضایی
۳	عوامل اجتماعی	تداخلات قومیتی و برخورد خرده فرهنگ‌ها وجود ناهنجاری‌های اجتماعی محدودیت‌ها و مشکلات ویژه گروه‌های خاص (زنان و کودکان)
۴	عوامل رفتاری	رواج رفتارهای نامناسب اجتماعی

منبع: نگارندگان

رویکر جدید مطرح در شهرسازی مسأله «فضاهای قابل دفاع» است. یعنی شهری که خودش محیط‌های قابل دفاع و تا حدودی امن را ارائه می‌دهد. تعریف ساده این رویکرد این است که امنیت و نظارت را با حضور مردم و نظارت خودشان امن کنیم در این حالت احتمال وقوع جرم به حداقل خواهد رسید.

جدول شماره ۲: نظریات و اصول پیشنهادی چندنظریه پرداز در راستای ایجاد امنیت و خلوت اجتماعی در فضاهای جمعی محلات

دهه	نظریه پرداز	نظریات و اصول پیشنهادی
۱۹۶۰	الیزابت وود جکوبز	- نظارت طبیعی از طریق طراحی و مشخصات کالبدی محله در راستای برقراری امنیت و کنترل تماس‌های افراد - مرزبندی روشن بین فضای درون مرکز جمعی و بیرون آن - ایجاد اختلاط در کاربری
۱۹۷۰	آنجل نیومن ویلسون و کلینگ	- نظارت و مراقبت شهروندان از طریق طراحی محیط کالبدی - نظارت طبیعی و توانایی دیدن و دیده شدن (نظارت عمومی) - نگهداری و مواظبت از محله از نظیر عدم وجود عناصری چون وجود آشغال و...
۲۰۰۰	ساول و کلوند اولاکسی ساول	- در نظر گرفتن مسائل اجتماعی و روان شناسانه در برای توجه به محیط کالبدی - تغییر هنجارهای پیشگیری از جرم و ایجاد امنیت از طریق معماری - ایجاد مدل امنیت گسترتری که وظیفه ایجاد امنیت و ایدار نگه داشتن آن در محلات را به ساکنین واگذار می‌کند تا به کمک متخصصان به این مهم دست یابند.

منبع: نگارندگان

۵-۱- مشاهده عوامل ایجاد Negative Privacy در محله شمس آباد و کاظم آباد به روایت تصویر

با سؤالات شفاهی از مردم محل که بصورت کاملاً اتفاقی انتخاب شدند، دلایل عدم احساس امنیت در برخی از فضاهای جمعی در دو محله شمس آباد و کاظم آباد، به شرح زیر نتیجه گیری شد:

جدول ۳: مشاهده تصویری عوامل مخرب امنیت و برهم زنده خلوت اجتماعی در فضاهای جمعی دو محله شمس آباد و کاظم آباد

کاظم آباد

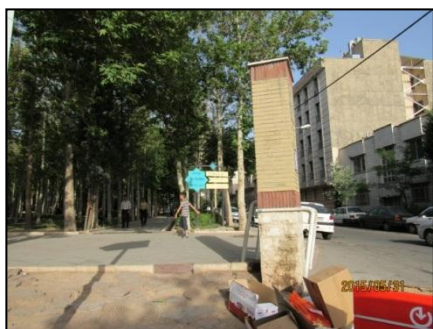
شمس آباد



پلاسی بودن حیوانات بیکار

تصویر ۲

تصویر ۱



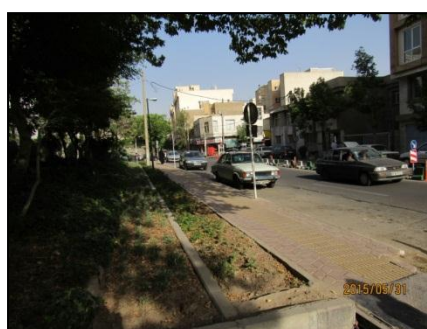
تصویر ۴



تصویر ۳



تصویر ۶



تصویر ۵



تصویر ۸



تصویر ۷



تصویر ۱۰



تصویر ۹

کیفی فضا

نوع پوشش عناصر طبیعی

زشتی فضا

حضور زیاد افراد بیگانه با ظاهری نامناسب



تصویر ۱۲



تصویر ۱۱

وجود گوشه‌های دنج

منبع: نگارندگان

جدول ۴: میزان درصد اختصاصی به هریک از عوامل مخرب خلوت اجتماعی و امنیت در محله شمس آباد از جانب زنان و مردان

محله	احساس ناامنی	پلاس بودن جوانان بیکار	کثیفی فضا	نوع پوشش عناصر طبیعی	زشتی فضا	حضور زیاد افراد بیگانه با ظاهری نامناسب	وجود گوشه‌های دنج
شمس آباد	زنان	٪۲۸	٪۳۰	٪۱۰	٪۱۰	٪۳۸	٪۱۲
مردان	مردان	٪۱۸	٪۲۸	٪۱۴	٪۶	٪۲۴	٪۱۰

منبع: نگارندگان

جدول ۵: میزان درصد اختصاصی به هریک از عوامل مخرب خلوت اجتماعی و امنیت در محله کاظم آباد از جانب زنان و مردان

محله	احساس ناامنی	پلاس بودن جوانان بیکار	کثیفی فضا	نوع پوشش عناصر طبیعی	زشتی فضا	حضور زیاد افراد بیگانه با ظاهری نامناسب	وجود گوشه‌های دنج
کاظم آباد	زنان	٪۴۴	٪۳۴	٪۱۶	٪۶	٪۴۸	٪۳۴
مردان	مردان	٪۴۲	٪۲۸	٪۱۴	٪۴	٪۳۲	٪۲۵

منبع: نگارندگان

مقایسه بین زنان و مردان این محلات حاکی از آن است که زنان و مردان هردو، تقریباً به یک میزان در فضاها احساس عدم امنیت و خلوت اجتماعی می‌کنند و تفاوت در زنان و مردان در حس امنیت آنان در شلوغ از جمعیت می‌باشد.

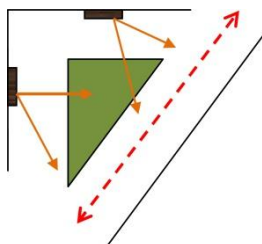
۶. چگونگی کاهش **Negative Privacy** و ایجاد خلوت جمعی در فضاهای جمعی این دو محله در جهت افزایش امنیت

در ابتدا چند نمونه از خلوت‌های جمعی مثبت و مناسب در این دو محله، همراه با تصاویر ارائه و سپس عوامل ایجاد آن‌ها بررسی خواهد شد.

- کنترل دید و اشرافیت از طریق مبلمان شهری



تصویر ۱۳: کنترل دید بر معابر

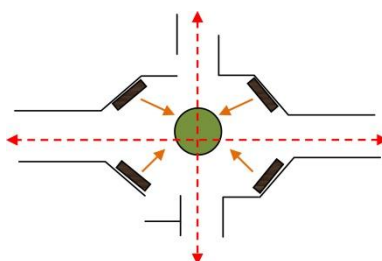


تصویر ۱۴: نحوه اشرافیت بر معبر بصورت پلانی

- استفاده از محور و مرکز جهت افزایش کنترل بصری و ایجاد کریدورهای بصری



تصویر ۱۵: توجه افراد محل به مرکز و امکان کنترل فضا بصورت پلانی

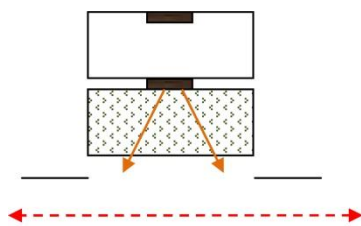


تصویر ۱۶: استفاده از محور و مرکز جهت افزایش کنترل بصری

- پوشش گیاهی مناسب و هم سطح بودن مرکز جمعی و معبر



تصویر ۱۷: پوشش گیاهی مناسب و هم سطح بودن



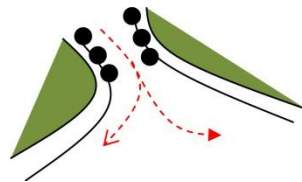
تصویر ۱۸: پوشش گیاهی غیرمترکم و متناسب با ارتفاع دید افراد در محل بصورت پلانی

منبع: نگارندگان

- تعبیه قابلیت‌های ایجاد فضای گفتگو در فضای جمعی در حین نظارت بر عبور و مرور افراد



تصویر ۱۹: نشستن افراد در مسیر اصلی و امکان نظارت بر عبور و مرور

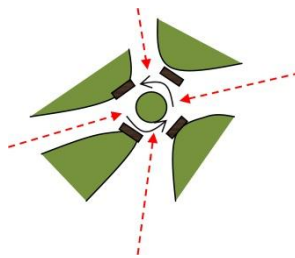


تصویر ۲۰: مکان‌های گفتگو در فضای جمعی

- تعبیه گره راهی و تراکم مبلمان شهری اطراف گره



تصویر ۲۱: تعبیه گره راهی



تصویر ۲۲: نشست جمعی در گره ایجاد شده و نظارت جمعی منبع: نگارندگان

۸ نتیجه‌گیری

از دیدگاه روان‌شناسی محیطی، انسان‌ها به تجربه حسی، عاطفی و معنوی خاص نسبت به محیط زندگی نیاز دارند. این نیازها از طریق تعامل صمیمی و نوعی هم‌ذات‌پنداری با مکانی که در آن سکونت دارد قابل تحقق است. این تعامل صمیمی و هم‌ذات‌پنداری، روح یا حس مکان نامیده می‌شود. داشتن حس مکان در افراد است که موجب خلق فضاهای عمومی حتی از طرف خود ساکنین می‌شود و این خود، علاوه بر شخصیت دادن به محله، موجب فراهم کردن آرامش ذهنی و رعایت حریم و خلوت افراد ساکن در محله نیز خواهد شد. احساس تعلق و دل‌بستگی به مکان، سطح بالاتری از حس مکان است که در هر موقعیت و فضا به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد. این حس به گونه‌ای به پیوند فرد با مکان منجر

می شود که انسان خود را جزئی از مکان می داند و بر اساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها، شخصیت و نقشی برای مکان در ذهن خود متصور می سازد. این نقش نزد او منحصر به فرد و متفاوت می باشد و در نتیجه، مکان جمعی برای او مهم و قابل احترام می شود. هنگامی که مکان جمعی برای فرد اهمیت و معنا پیدا کند، مکان جمعی، محور فعالیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به آن مکان شخصیت می دهد که پیامد آن بوجود آمدن حس امنیت و در نهایت حفظ حریم و خلوت تمامی افراد خواهد بود. در راستای راهکارهای اجرایی در طراحی محله و معماری می‌بایستی مواردی چند مورد توجه قرار گیرد که بکارگیری آن‌ها در رویه طراحی و مراحل ساخت و اجرا می‌تواند با کاهش ظرفیت‌های جرم خیزی محلات، امکان ساماندهی و شکل‌گیری یک محله ایمن را فراهم آورد. از این رو موارد زیر پیشنهاد می‌گردد.

جدول ۶: راهکارها و پیشنهادات اجرایی (انصاری ۱۳۸۷: ۷۸)

راهکارها و پیشنهادات اجرایی	
تقویت قلمروهای طبیعی	بکارگیری مستمر فضا بوسیله کاربران از طریق راهکارهای طراحی محیطی استفاده از تابلوها، علائم و نشانه‌های بصری از طریق هنر ارتباط تصویری افزایش نظارت‌های طبیعی و گسترش حس مالکیت از طریق نهادهای اجتماعی بکارگیری استراتژی‌های بازدارندگی بوسیله ارگان‌های برنامه ریزی اجتماعی استفاده از محوطه سازی، حفاظ و نرده در طراحی شهر
کنترل دسترسی	استفاده از موانع مسدود کننده مانند دیوارهای حصار و نرده آگاهی بخشی به مردم از مکان ورودی‌ها و خروجی استفاده از زیرساخت‌های شهری مناسب مانند پوشش کف، جداره و محوطه سازی تورپردازی مطلوب و کافی بر دروازه‌ها، ورودی و نوع سیستم دسترسی
نظارت طبیعی	رعایت استانداردهای مبلمان شهری مانند چراغ‌های روشنایی و تابلوهای شهری انقنات به جایگزینی کاربری‌های شهری از طریق برنامه ریزی شهری انقنات به نحوه دسترسی به اماکن عمومی مانند پارک‌ها و پارکینگ‌های عمومی جای دهی کیوسک‌های تلفن و روزنامه فروشی یا دکه‌های سیار در مناطق جرم خیز امکان دهد به حضور انسان با تسهیلات خدماتی برای افزایش نظارت عمومی افزایش دید با پوشش‌های گیاهی و محوطه سازی کم از طریق طراحی منظر شهری افزایش امکان دید در جهت گیری ساختمان و مکان پارکینگ در طراحی شهر
حمایت از فعالیت‌های اجتماعی	اصلاح برنامه ریزی فضایی از طریق استفاده کارآمد از فضاهای شهری ایجاد تراکم در فعالیت‌های اجتماعی در مناطق جرم خیز قراردی فعالیت‌های اقتصادی خاص در مکان‌های همجوار نیروهای انتظامی جای دهی فعالیت‌های خدماتی در مناطقی که نظارت عمومی کمتری دارد جایگزینی فضاهای عمومی در مناطق با دید و نظارت کم
تعمیر و نگهداری	تعمیر و نگهداری تجهیزات شهری مانند تابلوها و علائم ارتباطی حفاظت از آسیب رساندن به تجهیزات شهری مانند حفاظ دار کردن چراغ‌های معابر منظرسازی بر اساس معیارهای افزایش دهنده دید و نظارت عمومی

جدول ۷: راهکارها و پیشنهادات اجرایی کاهش حومل برهم زننده خلوت و امنیت

عوامل برهم زننده امنیت و خلوت اجتماعی در فضای جمعی	راهکارها و پیشنهادات اجرایی کاهش عوامل برهم زننده
پلاس بودن جوانان بی‌کار	عدم طراحی پاتوق محور، نوبپردازی مناسب و عدم ایجاد مکان‌های دور از دید
کیفی فضا	محله ای که از لحاظ بصری زیبا، تمیز، پویا و دلپذیر طراحی شده ناخودآگاه تلقین شهری امن را در وجود شهروندان به بار می‌آورد.
زشتی فضا	نظارت مداوم شهرداری بر پوشش سبز محله (هرس کردن، کوتاه کردن و کاشت درختان با ارتفاع مناسب)
نوع پوشش عناصر طبیعی	حضور زیاد افراد بیگانه با ظاهری نامناسب باید کاربری‌هایی را در معابر و به صورت تداخل کسب (مغازه‌ها و مجتمع‌های تجاری متفاوت) ایجاد کرد که حتی تا ساعت پایانی شب نیز حضور مردم را به بار آورد.
وجود گوشه‌های دنج	در یک مکان خلوت و دنج، یک یا دو کسب را متمرکز کنیم که تا ساعات پایانی شب ارائه خدمات دهند و حضور مردم را حاصل شوند. همین حضور مردم، یعنی حضور امنیت.

منبع: نگارندگان

منابع

- الکساندر، کریستوفر (۱۳۷۱). *عرصه‌های زندگی جمعی و زندگی خصوصی*. ترجمه دکتر منوچهر مزینی، تهران، دانشگاه تهران،
- آلتمن، ایروین (۱۳۸۲). *محیط و رفتار اجتماعی*، ترجمه علی نمازیان، تهران، دانشگاه شهید بهشتی،
- انصاری، مجتبی (۱۳۸۷)، ارتقاء امنیت محیطی و کاهش جرائم شهری با تأکید بر رویکرد C.P.T.E.D، ویژه نامه مهندسی معماری و شهرسازی، جلد ۱۹، شماره ۶، علم و صنعت
- دانشپور، سید عبد الهادی (۱۳۸۰). *فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی*. باغ نظر، شماره ۷،
- سلامتی زارع، اکرم (۱۳۹۳). *طراحی شهری همسو یا در تقابل ایجاد احساس امنیت در فرد*. همایش ملی معماری و شهرسازی و توسعه پایدار،
- عینی فر، علیرضا (۱۳۸۳). *عوامل انسانی - محیطی مؤثر در طراحی مجموعه‌های مسکونی*. هنرهای زیبا، شماره ۸،
- فلاح، محمد صادق (۱۳۸۲). *مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن*. هنرهای زیبا، شماره ۲۶،
- فلاح، محمد صادق (۱۳۹۲). *مشکلات پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (C.P.T.E.D) در ایران و مقایسه آن با تجربیات جهان*. فصلنامه دانش انتظامی، سال چهارم، شماره دهم،
- نقی زاده، محمد (۱۳۸۰). *ویژگی‌های کیفی مسکن مطلوب*، ص ۱، شماره ۱،

Reduction of Negative Privacy in Collective Spaces in Highly Dense Neighborhoods with the Aim of Observing the Social Privacy in order to Increase Security (Case Study of Shams-Abad & Kazem-Abad Neighborhoods)

Samaneh Jafarmohammadi*

Ph.D. student in Architecture, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran

Mujtaba Ansari

Associate Prof. of Architecture, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran

Bahman Kargar

Associate Prof. of Geography & Urban Planning, Islamic Azad University, Yadegar-e-Imam Branch, Shahr-e-Ray, Iran

Hamid Bahiraei

Ph.D. student of Geography & Rural Planning, Islamic Azad University, Science & Research Branch, Tehran, Iran

Abstract

For its residents, the neighborhood presents an opportunity to have informal interactions and create social cohesion. Identifying and distinguishing places and organizing them in ones' mental structure not only allow individuals to have an effective performance but also are the sources of security and mutual understanding, and give them a pleasant and agreeable feeling. People seek physical clarity and places which are understandable and associated with their emotions and goals. The present article attempts to investigate the importance of the creating public spaces, especially in the highly dense neighborhoods and its effects on the increased security of the residents in that this protects human privacy in his residence. First, the concept of "privacy" and its functions are examined theoretically. Then the characteristics and nature of public space (collective life) of neighborhoods and finally the role of creating public spaces in building and protecting privacy of the families will be addressed. The research method is logical reasoning and a case study of on two highly dense residential areas of Tehran, Kazem-Abad and shams-Abad, along with field studies and a survey of the their residents through questionnaire. According to findings, in the present century (i.e., the last decade of the 14th century solar Hijri calender), a remarkably large population lives in the highly dense neighborhoods. If you look at people from the perspective of slave traders, and their spatial needs are conceptualized only in terms of their bodies, the effects of overcrowding are ignored. However, if people are considered human beings that are surrounded by invisibles bubbles (i.e., their privacy) which can be measured, the architecture of such neighborhoods can be examined from a new perspective.

Keywords: social privacy, collective space, highly dense neighborhoods, social security

Received Date: 7 July 2015

Accepted Date: 14 September 2015

* (Corresponding author) s.mohammadi1986@gmail.com